

ایمان حقیقی و منت‌گذاری

محمدحسن مکارم*

ایمان حقیقی و منت‌گذاری

خوانندگان گرامی و معلمان عزیز، با این مقاله، مجموعه مقالات ما درباره «تفسیر سوره حجرات» به پایان می‌رسد. در نخستین شماره مجله، یادآور شدیم که سوره حجرات را به خاطر محتوای غنی تعلیمی و تربیتی و دستورات سازنده اخلاقی آن، برای تفسیر برگزیدیم؛ با این امید که بتواند در تهذیب اخلاق و نفوس خوانندگان مؤثر واقع شود. اینک با آرزوی توفیق برای همه کسانی که تا این‌جا این مجموعه را دنبال کردند، بار دیگر از نویسنده محترم مجموعه تشکر می‌کنیم.

رشد



در مقالات پیشین، شمه‌ای از اصول اخلاق فردی و اجتماعی مورد نظر قرآن از سوره مبارک حجرات برداشت و ارائه شد و در نهایت، تفاوت «اسلام آوردن» و «ایمان آوردن»، به محضر خوانندگان ارجمند و همکاران گرامی تقدیم شد.

اینک، در ششمین و آخرین مقاله از این مجموعه، به دو موضوع باقی مانده از سوره حجرات می‌پردازیم که از آیات پانزدهم تا آخر مُستفاد می‌گردد.

۱. **سیمای مؤمن حقیقی:** «الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» مؤمنان کسانی هستند که به خدا و رسول او ایمان می‌آورند و سست نمی‌شوند و با اموال و جان‌های خود در راه خدا مجاهدت می‌ورزند.

از آن‌جا که «ایمان» امری باطنی و قلبی است و «اسلام» امری ظاهری و لسانی، و رسیدن به رتبه ایمان نشانه‌هایی دارد، در آیه مذکور، علامت‌های مؤمنان حقیقی را طی سه مورد برمی‌شمرد:

(الف) به خدا و پیامبرش باور قلبی دارند.

(ب) در این عقیده ثابت و پا بر جا هستند و گهگاه دچار تردید و دودلی نمی‌شوند.

(ج) حاضرند با مال و جان خود در راه خدا به جهاد و ایثار بپردازند.

شایان ذکر است که استقرار و استمرار ایمان در دل، باید با دو ظهور بیرونی همراه باشد: بذل مال و بذل جان در مسیر الهی. چنین افرادی را در ادامه آیه، «مؤمن صادق» لقب داده است. یادآوری شود که طبق شأن نزول این آیات، جمعی از طایفه «بنی‌اسد» در یکی از سال‌های قطعی و خشک‌سالی وارد مدینه شدند و به امید گرفتن کمکی از پیامبر (ص)، شهادتین بر زبان جاری کردند و اسلام آوردند. خداوند از طریق پیامبر

اسلام به آن‌ها فرمود که اسلام کافی نیست، بلکه باید ایمان قلبی بیابید و آثار آن در عملکردتان بارز گردد [نمونه، ج ۲۰۹: ۲۲]. مجموعاً در چهار آیه قرآنی، عبارت انحصار آمیز «انما المؤمنون» ذکر شده است که برای آشنایی با سیمای مؤمنان حقیقی، باید به سه آیه دیگر نیز اشاره کرد.

(الف). مؤمنان واقعی آن‌ها هستند که هر گاه نام خداوند برده شود، دل‌هایشان می‌لرزد و همین که آیات الهی بر آنان تلاوت شود، بر ایمانشان افزوده می‌گردد، و تنها بر خدا تکیه می‌کنند [انفال: ۲].

(ب). آن‌ها هستند که به خدا و رسولش ایمان دارند و هر وقت با پیامبرش در کاری گروهی هستند، بدون اجازه حضرت، از صحنه خارج نمی‌شوند [نور: ۶۲].

(ج). مؤمنان برادر یکدیگرند [حجرات: ۱۰]. از کنار هم نهادن این چهار آیه شریفه که دو آیه آن در همین سوره حجرات قرار گرفته است، مؤمن حقیقی با داشتن این صفات و خصایص، ممتاز و مُبرز می‌گردد: دلش به یاد خدا می‌تپد، دائماً در حال تزیید ایمان است، توکل و تکیه‌اش به خداست، مطیع حکم رهبر الهی در نظام اجتماعی است، به همه به چشم برادری می‌نگرد، ایمانش عمیق است، در حوادث زندگی دچار تردید و تزلزل نمی‌شود و هر گاه نیاز باشد، با جان و مال از مکتب خود دفاع می‌کند.

از عبارت «لم يرتابوا» نتیجه می‌شود که احتمال دارد انسان به مراتبی از ایمان دست یابد.

عبارت فوق دارای مؤیدهایی در سوره‌های دیگر نیز هست؛ جاهایی که انسان‌های خداپرست و پیامبران الهی آرزوی آن دارند که بر صراط مستقیم و بر اسلام و ایمان، تا پایان عمر استوار بمانند؛ عباراتی چون: «توفنا مع الأبرار، توفنی مسلماً، ولا

شایان ذکر است
که استقرار و
استمرار ایمان
در دل، باید با
دو ظهور بیرونی
همراه باشد: بذل
مال و بذل جان
در مسیر الهی



تموتنّ الآ و انتم مسلمون [قرآنتی، تفسیر حجرات: ۷۹].

هر یک از ما، اعم از نگارنده و خواننده این مقال، چه قدر اطمینان دارد که به هنگام خروج از این سرا و ورود به درگاه ایزد متعال، کماکان بر ایمان قلبی پا بر جا مانده باشد و رسانه‌های دنیای ما تریالیستی و امواج حامل پیام‌های الحادی منتشر در هوا و جذب شده توسط موج‌گیرهای پشت‌بام، در باور دینی او رخنه نکرده باشد؟! به راستی باید به خدا پناه برد.

همراه با استمداد از خدای متعال، مطالعه تاریخ گذشته، از جمله تاریخ مسلمانان در اندلس و شگردهایی که برای ایمان‌زدایی نسل جوان آن روز به کار گرفته شد، چراغ راه پایداری ما در دین خواهد بود. پس از نزول آیه مورد بحث و بیان سه نشانه برای "صدق در ایمان"، گروهی از اعراب نزد پیامبر اکرم (ص) آمدند و قسم خوردند که در ایمان خود صادق‌اند و ظاهر و باطن آن‌ها یکی است. از این رو، آیه ۱۶ سوره حجرات نازل گردید و فرمود: **قُلْ أَتَعْلَمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ...** آیا می‌خواهید خدا را از دین و ایمان خود آگاه کنید، در حالی که او به آن چه در آسمان و زمین است، آگاه و علیم می‌باشد. آری، ذات پاک او همه جا حضور دارد و از رگ گردن به ما نزدیک‌تر است و میان انسان و قلبش حائل می‌شود. با این حال، نیازی به ادعایی بر صدق ایمان نیست.

۲. **مَنْتَ كَذَّابِي:** "يُمْنُونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا، قُلْ لَا تَمْنُوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ، بَلِ اللَّهُ يُمْنُ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ" ای پیامبر، گروهی بر تو منت می‌گذارند که مسلمان شده‌اند. بگو به آن‌ها: بر من به خاطر مسلمان شدنشان منت نگذارید. بلکه خدا بر شما منت می‌گذارد که به ایمان هدایت کرد شما را.

از آیه شریفه فوق برمی‌آید که اعراب باده‌نشین اسلام آوردن خود را به رخ پیامبر می‌کشیدند و می‌گفتند: ما با تو مسالمت کردیم، اما بسیاری از قبایل عرب با تو از در جنگ برآمدند و به ستیزه‌جویی پرداختند. قرآن در پاسخ به آن‌ها می‌گوید: آن‌ها بر تو منت می‌گذارند که اسلام آورده‌اند. به آن‌ها بگو: اسلام خود را بر من منت نگذارید، بلکه خداوند بر شما منت دارد که شما را به سوی ایمان هدایت کرد.

در کتاب‌های لغت آمده است که "مَنْتَ" از ریشه "مَنْ" به معنی وزنه مخصوصی است که برای توزین به کار می‌رود و به تدریج به هر نعمت سنگین و ارزشمندی اطلاق شده است.

مَنْتَ بر دو نوع است: اگر جنبه "عملی" داشته باشد، یعنی فردی نعمت گران‌قدری را به دیگری ببخشد و ارزانی دارد، ممدوح و پسندیده است و مَنْت‌های الهی از این قبیل است. ولی اگر جنبه لفظی داشته باشد، مانند منت بسیاری از انسان‌ها، کاری مذموم و ناپسند است [نمونه، ج ۲۲: ۲۱۶]. برخی از مسلمانان در گذشته و حال، بر این خیال‌اند که با پذیرش اسلام و انجام عبادات و رعایت حلال و حرام، خدمتی به خداوند کرده و حمایتی از پیامبر و امامان علیهم‌السلام نموده‌اند و به همین دلیل انتظار پاداش دارند.

این در حالی است که امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: خدایا، من تو را به خاطر بیم از کیفر یا به خاطر طمع ورود به بهشت پرستش نکردم، تو را لایق پرستش دیدم، لذا به عبادتت قیام کردم [بحار، ج ۴۱، باب ۱۰۱: حدیث ۴].

ماییم که مدیون خداوندیم به خاطر آن که نعمت ایمان و هدایت را به ما مرحمت کرد. اگر بهشت و دوزخ هم در کار نبود، به جاست که ممنون نعمت بزرگ الهی باشیم. اگر در برابر طاعت و عبادت وعده بهشت و نعمت داده، لطف مضاعف است و دلالت بر رحمت و اسعفه پروردگار دارد.

ما در سایه "ایمان"، به درک تازه‌ای از جهان هستی می‌رسیم، عالم را هدفمند و غایت‌مدار می‌بینیم، انسان‌شناسی خاص پیدا می‌کنیم، ظلمات جهانبینی مادی و تنگناهای آن از جلوی چشممان به کنار می‌رود، نظام ارزش الهی برای ما تعریف می‌شود و دنیا مقدمه و مرزعه حیات اخروی معنی می‌گردد و بر این همه، خدای را شاکریم.

عرضه کردن عقاید خود به اولیای خدا ممکن است به هدف ارزیابی و اصلاح نقاط ضعف آن باشد؛ درست همان کاری که حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) در دیدار با امام هادی (ع) انجام می‌داد. بدیهی است این عمل بسیار پسندیده است، اما اقدام کسانی که مخاطب آیه مورد بحث هستند، ریاکارانه و طلبکارانه بوده و بر سر پیامبر خدا منت می‌گذارند و لذا توبیخ شده‌اند.

با دقت در متن آیه شریفه در می‌یابیم که خداوند منت‌گذاری این گروه را نسبت به رسول، منت‌گذاری بر خود تلقی کرده، لذا پاسخ می‌دهد که خداست که بر شما منت دارد (نه شما بر او).

در نگاهی کلی به قرآن کریم، خداوند در سه مورد، ارزانی داشتن نعمات خود را "مَنْتَ" بر مردم نام نهاده است؛ به شرح ذیل:

الف) نعمت ایمان (آیه مورد بحث)

ب) نعمت فرستادن انبیا (آل عمران/ ۱۶۴)

ج) نعمت وارث کردن مستضعفان بر زمین (قصص/ ۵)

بنابراین، می‌توان چنین استنباط کرد که مهم‌ترین نعمات الهی که بر مردم نازل شده، عبارت‌اند از: هدایت الهی، رهبری معصوم و حکومت حق.

در ادامه و به عنوان آخرین آیه سوره مبارکه حجرات، علم خداوند و بصیرت او بر عملکرد جوامع بشری یادآوری گردیده و حسن ختام واقع شده است. ایمان به علم و آگاهی خدا، ضامن تقوای انسان است، چرا که اگر ما بدانیم دوربینی اعمال ما را فیلم‌برداری می‌کند، یا نواری گفته‌های ما را ضبط می‌نماید، مراقبت بیشتری از کرده‌ها و گفته‌های خویش به عمل می‌آوریم، چه رسد به این که خود را دائماً در محضر علم الهی حاضر بدانیم.

امید است این مرور اجملی بر آیات هجده‌گانه سوره حجرات، طی ارائه شش مقاله در این مجله، بر ارتقای بینش اخلاقی و ایمانی همه ما مؤثر واقع شود و خوانندگان ارجمند، نویسنده را به لغزش‌های خویش در تدوین این سطور آگاه کنند.

* مدرس مراکز تربیت معلم و مرکز آموزش‌های فرهنگیان استان فارس

منابع

۱. تفسیر نمونه. مکارم شیرازی و دیگران. دارالکتب الاسلامیه. چاپ ۱۳۶۳. ج ۲۲.
۲. تفسیر نور. قرآنتی. شماره ۷۲. ویژه سوره حجرات. چاپ ۱۳۸۳.
۳. سبیری در نهج البلاغه. مطهری. دارالتبلیغ الاسلامی. ۱۳۵۴.